

خوانشی نواز اهداف سید رضی در گردآوری نهج البلاغه*

سید حسین رشیدی فرد^۱

چکیده

نهج البلاغه یکی از برجسته‌ترین میراث‌های مکتوب اسلامی است که هم از حیث بلاغت و زیبایی کلام جایگاهی ممتاز دارد و هم حامل آموزه‌های سیاسی، اخلاقی و اعتقادی ارزشمندی از سوی امام علی (ع) است. این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل متن و توجه به قرائن درون‌متنی و برون‌متنی، به بازخوانی انگیزه‌ها و کارکردهای گردآوری نهج البلاغه توسط سید رضی در قرن چهارم هجری پرداخته است. در سطح آشکار، قرائن نشان می‌دهد که اهتمام سید رضی به فصاحت، بلاغت و گزینش سخنان ممتاز امام علی (ع)، در راستای حفظ و عرضه میراث کلام علوی به‌عنوان اوج بلاغت عربی قابل تفسیر است. در سطحی فراتر، تحلیل الگوی گزینش متون، برجسته‌سازی برخی مضامین همچون توحید، عدالت، حکومت علوی و نقد بنی‌امیه و در مقابل، کم‌رنگی یا حذف برخی موضوعات مناقشه‌برانگیز، این احتمال را تقویت می‌کند که نهج البلاغه واجد کارکردهایی فراتر از یک اثر صرفاً ادبی بوده است. از سوی دیگر، توجه به بستر فکری و گفتمانی قرن چهارم هجری، به‌ویژه رواج آثار خیزدمحور قرن چهارم در فضای حکومتی آل‌بویه و هم‌عصری سید رضی با متفکرانی چون ابن مسکویه، امکان تفسیر نهج البلاغه را به‌عنوان پاسخی درون دینی به نیازهای اخلاقی، اعتقادی و سیاسی آن عصر فراهم می‌سازد. بر این اساس، می‌توان نهج البلاغه را متنی دانست که در چهارچوبی سنجیده، به بازنمایی عقلانیت، عدالت و معنویت علوی پرداخته و در تحکیم گفتمان شیعی و پاسخگویی به چالش‌های فکری زمانه نقش‌آفرین بوده است.

واژگان کلیدی: نهج البلاغه، سید رضی، اهداف تدوین، گزینش و برجسته‌سازی متن، گفتمان حکمت در قرن چهارم.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۰۶ / مقاله پژوهشی

۱. دکتری علوم و معارف نهج البلاغه، پژوهشگر همکار پژوهشکده بین‌المللی امام رضا (ع)، جامعه المصطفی شعبه

خراسان، ایران / Sydhsynrshydyfrd@gmail.com

مقدمه

نهج البلاغه یکی از برجسته‌ترین میراث‌های مکتوب اسلامی است که همواره در طول تاریخ، توجه اندیشمندان، متکلمان و مورخان و ادیبان بسیاری را به خود جلب کرده است. این مجموعه که در قرن چهارم هجری به همت سید رضی (۴۰۶-۳۵۹ق) گردآوری شد، شامل گزیده‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار امام علی (ع) است؛ این اثر نه تنها از نظر مفاهیم توحیدی، اخلاقی و سیاسی، بلکه از منظر زیبایی‌های ادبی و بلاغی نیز در میان آثار دینی، جایگاهی ویژه دارد. البته نام‌گذاری اثر به نهج البلاغه به معنی راه روشن بلاغت، نشان‌دهنده تأکید سید رضی بر بُعد ادبی و فصاحت سخنان امام (ع) است. چنانکه در مقدمه چنین نگاشته است: «و رأیت من بعد تسمية هذا الكتاب بنهج البلاغة إذ كان يفتح للنظر فيه أبوابها و يقرب عليه طلابها» (سید رضی، مقدمه نهج البلاغه). اما ناگفته پیداست که این اثر، فراتر از ویژگی‌های ادبی، در عرصه‌های کلام، سیاست، اخلاق و هویت شیعی نیز حائز اهمیت است.

به هر روی تحلیل انگیزه‌ها و اهداف سید رضی اعم از اهداف ادبی و غیر آن، مستلزم توجه به بستر تاریخی قرن چهارم هجری و شرایط اجتماعی - سیاسی آن عصر است. دوره‌ای که بغداد تحت سیطره آل بویه بود و شیعیان فرصت بیشتری برای ظهور علمی و مذهبی داشتند. در این خصوص، گزارش **ابن جوزی** از وقایع سال ۳۵۷ ق نشان می‌دهد که آیین غدیر در دوره آل بویه جنبه‌ای آشکار و رسمی یافته بود؛ چنان‌که می‌نویسد: «معزالدوله دستور داد مردم در روز غدیر - برخلاف روز عاشورا که در اندوه به سر می‌بردند - اظهار سرور کنند، خیمه‌ها برپا سازند و آن‌ها را بیارایند. در شب آن روز در محل شرطه آتش افروختند و طبل و شیپور نواختند؛ بامدادان نیز شتری قربانی کردند و به زیارت مقابر قریش رفتند» (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ۱۴/۱۸۹).

همچنین در این دوره منازعات کلامی میان معتزله، اشاعره و سایر نحله‌ها به اوج رسیده بود. چنان که نزاع و زدو خورد میان شافعیان با حنبلیان و حنبلیان با اشاعره در بغداد و میان شافعی‌ها با حنفی‌ها در ری گزارش شده است (فقیهی، ۱۴۰۶ق، ۳۲۳، به نقل از ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ۸/۱۶۳).

با این تفاسیر، قرائن درون‌متنی و برون‌متنی نشان می‌دهد که سید رضی با گزینش هوشمندانه خطبه‌ها و نامه‌ها، نه تنها قدرت ادبی امام علی (ع) را برجسته کرده، بلکه پاسخ‌های غیرمستقیم به چالش‌های فکری و سیاسی زمان خود داده است. در این خصوص به نظر می‌رسد سید رضی با استفاده از پیش‌رانی (پاکتچی، ۱۳۹۷، ۱۱۳-۱۱۲) و پس‌رانی (پاکتچی، ۱۳۹۷، ۵۳) در متن، برجسته‌سازی موضوعاتی مانند قتل عثمان و بنی‌امیه، و حاشیه‌رانی‌های حداقلی درباره برخی رخدادها، انتخابی هوشمندانه و هدفمند در جهت بازنمایی عدالت و مشروعیت حکومت علوی داشته است.

در خصوص قرائن برون‌متنی نیز هم‌عصری سید رضی با **ابن مسکویه** و ترجمه عربی کتاب «جاویدان خرد» با عنوان «الحکمة الخالدة» را می‌توان در چهارچوب فضای فرهنگی و فکری بغداد آل بویه تحلیل کرد؛ فضایی که در آن گرایش آشکار به گردآوری و تبویب حکمت‌های اخلاقی و سیاسی پدیدآمده بود. از این منظر، نهج‌البلاغه را می‌توان در امتداد همین گرایش تدوینی در نظر گرفت.

کتاب «الحکمة الخالدة» مجموعه‌ای سامان‌یافته از آداب، حکم و وصایای حکما و بزرگان شرق و غرب بوده و کوششی برای گردآوری میراث خرد اخلاقی در قالبی منظم به شمار می‌رود. نهج‌البلاغه نیز با ساختاری سه‌بخشی شامل خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها، نوعی نظم‌بخشی هدفمند به میراث علوی را نشان می‌دهد. شباهت در شیوه تبویب و تمایل به گردآوری گزینشی آموزه‌های اخلاقی - سیاسی، بیش از آنکه دلالت

بر اقتباس مستقیم داشته باشد، حاکی از قرارگرفتن هر دو اثر در یک افق مشترک عقلانی - اخلاقی در قرن چهارم هجری است. به‌ویژه در تکمیل «الحکمة الخالدة» و افزودن بخش حکم العرب و نقل برخی حکمت‌های نبوی و علوی، نوعی اهتمام به تثبیت میراث اخلاقی در قالب گزیده‌های منظم دیده می‌شود؛ امری که می‌تواند قرینه‌ای بر رواج این الگوی تدوینی در آن عصر باشد. گرچه سید رضی و **ابن مسکویه** هم‌عصر بودند و شباهت‌هایی در ساختار آثارشان دیده می‌شود، اما به دلیل فقدان شواهد تاریخی صریح از ارتباط مستقیم میان این دو شخصیت، نمی‌توان تأثیرپذیری آنان را به‌طور قطعی احراز کرد؛ بنابراین این موضوع در حد فرضیه باقی مانده و نیازمند شواهد تکمیلی است.

به هر روی به‌نظر می‌رسد سید رضی با تلاش علمی برای جمع‌آوری سخنان و حکمت‌های علوی، به دنبال بازگرداندن اقبال سلاطین و جامعه و فرهنگ اسلامی - عربی به‌سوی گنج‌های گران‌بهای حکمت و علوم ناب علوی بوده که استقبال و رویکرد سلاطین و جامعه اسلامی در قرن سوم به ترجمه کتب حکمی و پندآموز هند و روم و ایران موجب کم‌رنگ شدن جلوه این مواظظ جاوید در جامعه اسلامی شده بود.

بر اساس این تحلیل‌ها، اهداف سید رضی را می‌توان در دو سطح بررسی کرد:

اهداف آشکار: حفظ میراث ادبی امام علی علیه السلام، تقویت جایگاه ادبیات عرب و معرفی امام علی علیه السلام به‌عنوان بزرگ‌ترین و بلیغ‌ترین خطیب و حکیم عرب.

اهداف پنهان: تثبیت مشروعیت حکومت علوی و اندیشه سیاسی امام، ارائه الگویی از حکومت علوی و عدالت اسلامی، تحکیم هویت شیعی و بازتاب دغدغه‌های فکری و اجتماعی زمانه.

پژوهش حاضر با تکیه بر قرائن درون‌متنی و برون‌متنی در پی پاسخ به پرسش‌های ذیل است.

۱. آیا گردآوری نهج البلاغه صرفاً تلاشی ادبی بوده یا طرحی فرهنگی - سیاسی در پس آن نهفته است؟

۲. چگونه گزینش‌های سید رضی می‌تواند بازتاب‌دهندهٔ دغدغه‌ها و جریان‌های فکری عصر او باشد؟

۳. نهج البلاغه چه سهمی در تحکیم هویت شیعی و ارائهٔ الگوی حکومت علوی داشته است؟

پاسخ به این پرسش‌ها دریچه‌ای نو به فهم جایگاه نهج البلاغه در تاریخ اندیشهٔ اسلامی و ارتباط میان بلاغت علوی، اندیشهٔ سیاسی امام و تحولات فرهنگی قرن چهارم هجری می‌گشاید.

۱. بستر شکل‌گیری نهج البلاغه

از آنجا که نهج البلاغه حاصل گزینش و تنظیم سخنان امام علی (ع) در قرن چهارم هجری است، بررسی دقیق این اثر نیازمند توجه به شرایط تاریخی، اجتماعی و فرهنگی برهه‌ای است که سید رضی در آن به تدوین این مجموعه پرداخته است. نهج البلاغه گزیده‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار امام علی (ع) را در بر دارد؛ گزیده‌ای که نه صرفاً محصول ذوق ادبی گردآورنده، بلکه برآمده از شرایطی خاص در تاریخ اندیشه و سیاسی اسلام است.

قرن چهارم هجری در بغداد، دوران شکوفایی فعالیت‌های علمی و فرهنگی و هم‌زمان عرصهٔ تشدید منازعات کلامی و مذهبی بود. چنان که **ابن اثیر** در گزارش وقایع سال ۳۶۳ ق گفته همان طور که شیعیان در ضمن مراسم عاشورا شبیه واقعهٔ کربلا را نشان می‌دادند، اهل سنت نیز در محلهٔ سوق الطعام بغداد، به شبیه‌سازی جریان جمل

پرداخته، زنی را بر شتر نشانده و او را عایشه می‌نامیدند. در دو طرف شتر، دو مرد ایستاده بودند که یکی خود را طلحه و دیگری زبیر معرفی می‌کرد. این گروه با گروهی دیگر به قتل پرداخته و می‌گفتند با اصحاب علی بن ابی طالب علیه السلام نبرد می‌کنیم (ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق، ۶۳۲/۸).

به هر روی حاکمیت آل بویه، ضمن فراهم کردن مجال بروز بیشتر برای عالمان شیعی، فضای عمومی جامعه اسلامی را به صحنه‌ای از گفت‌وگو، رقابت و گاه تقابل میان جریان‌های مختلف فکری از جمله اشاعره، معتزله و امامیه بدل ساخته بود. گزارش‌های تاریخی و کلامی نشان می‌دهد که در این دوره، تبلیغات منفی علیه شیعه و نسبت‌دادن اتهاماتی چون نقش‌آفرینی در ماجرای قتل عثمان و ناکارآمدی سیاسی در دوران حکومت امام علی علیه السلام رواج داشته است. از مهم‌ترین وقایع اختلافی شیعه و اهل سنت فتنه قتل عثمان و ظالم یا مظلوم کشته‌شدن خلیفه سوم است. این مسئله از قرن دوم هجری که مسلمانان به تألیف و نوشتن کتاب درباره فضایل صحابه و وقایع تاریخ اسلام همت گماشتند، رواج داشته به گونه‌ای که حدود هفت کتاب با عنوان مقتل عثمان از نیمه قرن دوم تا اواخر قرن سوم هجری نگاشته شده است (رمضان جمعه، ۱۴۳۵ ق، ۵۷-۵۵).

هم‌چنین برابر نقل نهج البلاغه، برخی از مردم بر امام علیه السلام درباره نوع مواجهه ایشان با دشمنان و مخالفان خرده گرفته و به نقد سیاست‌های حضرت در راهبری حکومت در مقابل برخی دشمنان به‌ویژه معاویه پرداختند. حضرت در جواب به تبیین سیاست اموی

بر حيله و نيرنگ و نقد آن پرداخته و تفاوت حاکميت اسلام ناب با اسلام اموی را بيان داشتند.^۱

همچنين کثرت منازعات کلامی و مباحث اعتقادی، فضایی را پديد آورده بود که در آن، بازخوانی ميراث علوی می توانست کارکردی فراتر از صرف حفظ متون تاریخی داشته و به ابزاری برای تبیین عقلانی مباحث توحید، خداشناسی و مواضع غیرمستقیم شیعه در مسائل تاریخی و کلامی بدل شود.

در چنین فضایی، مسئله هویت مذهبی و مشروعیت فکری هر جریان، اهمیتی دوچندان یافته و آثار مکتوب، نقشی تعیین کننده در بازنمایی و تثبیت این هویت ایفا می کردند.

از دیگر قرائن برون متنی شکل گیری نهج البلاغه، توجه به جایگاه شخصی و اجتماعی شریف رضی است. سید رضی علاوه بر جایگاه ادبی (ابن جوزی، ۱۴۱۲ ق، ۱۱۶/۱۵)، عالمی برجسته و شیعه بود که به واسطه مناصبی چون امارت حاج، نظارت بر دیوان مظالم و تأسیس دارالعلم، در متن مناسبات رسمی و اجتماعی جهان اسلام قرار داشت.

سید رضی در سال ۳۸۰ ق و در ۲۱ سالگی به منصب والای نقابت که سرپرستی علویان عراق و رسیدگی به شئون زندگی مادی و معنوی آنها بود و پیش از آن جد مادری و پدرش عهده دار آن بودند، منصوب گردید. در همان سال و در آغاز جوانی مقام عالی «امارت حاج» یعنی سرپرستی امور حجاج بیت الله الحرام را با تصویب

۱. «وَ اللَّهُ مَا مُعَاوِيَةُ بِأَذْهَى مِنِّي، وَ لَكِنَّهُ يَغْدِرُ وَ يَفْجُرُ؛ وَ لَوْ لَا كَرَاهِيَةُ الْعَدْرِ لَكُنْتُ مِنَ أَذْهَى النَّاسِ، وَ لَكِنْ كُلُّ عُدْرَةٍ فُجْرَةٌ وَ كُلُّ فُجْرَةٍ كُفْرَةٌ، وَ لِكُلِّ غَادِرٍ لَوَاءٌ يُعْرَفُ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ وَ اللَّهُ مَا أَسْتَعْفَلُ بِالْمَكِيدَةِ وَ لَا أَسْتَعْمُرُ بِالسَّيْدَةِ» (نهج البلاغه، خ ۲۰۰).

بهاءالدوله دیلمی و القادر بالله، خلیفه عباسی، از پدر تحویل گرفت و به دنبال آن ریاست «دیوان مظالم» نیز، به آن افزوده شد (ابن جوزی، ۱۴۱۲ ق، ۳۲۴/۱۴).

دیوان مظالم در حقیقت حکم وزارت دادگستری را داشت. رئیس ناظر بر دیوان مظالم باید به تمام مراجعات کسانی که ستمدیده بودند یا حقی از آن‌ها پایمال شده بود یا در محکمه قضات محلی چنان که باید نتوانستند به حق خود برسند، رسیدگی کند. این مقام بیشتر شبیه دیوان عالی کشور یا وزارت دادگستری امروزی بود. (دوانی، ۱۴۰۶ ق، ۷۴).

این جایگاه ویژه، سید رضی را در معرض ارتباط مستقیم با طیف‌های متنوع مذهبی و فکری قرار می‌داد. چنین جایگاهی اقتضا می‌کرد که گفتار علمی و فرهنگی او، از زبانی برخوردار باشد که قابلیت پذیرش در میان مخاطبان گسترده‌تری از جهان اسلام را داشته باشد. هم‌چنین از مهم‌ترین ویژگی‌های وی شاگردپروری، ارتباط با علمای ادیان مختلف و گسترش علم و دانش و عدم تعصب در علم‌آموزی بود. چنان که گاه این مسئله موجب سرزنش حسودان و کوتاه‌نظران می‌شد؛ برای مثال یک بار سید را به خاطر شعری که در مصیبت ابواسحاق صابی گفته بود، مورد طعن قرار دادند که چرا کافری را رثا گفته است؟

همچنین از مهم‌ترین شاگردان سید می‌توان به شخصی مجوسی به نام **مهیار دیلمی** اشاره کرد که بعدها توسط سید مسلمان شد و اشعار زیبایی در رثای اهل بیت علیهم‌السلام سرود (دوانی، ۱۴۰۶ ق، ۶۰).

در کنار این عوامل، بستر فکری قرن چهارم هجری نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. این دوره، عصر توجه روزافزون به حکمت، عقلانیت و گزینش متون معنادار است؛ فضایی که در آن آثاری چون «الحکمة الخالدة» **ابن مسکویه**، با گردآوری گزیده‌ای از



سخنان حکمت‌آمیز ملل و اندیشمندان گوناگون، رواج یافت. هم‌عصری سید رضی با چنین جریان‌هایی، این امکان را مطرح می‌ساخت که نگاه‌گزینی و تأکید بر ارزش معنایی و عقلانی متن، به‌عنوان رویکردی مسلط در فرهنگ علمی زمانه او تلقی شود. مجموع این قرائن تاریخی، اجتماعی و فرهنگی نشان می‌دهد که تدوین نهج البلاغه مستقل از شرایط زمانه صورت نگرفته، بلکه در بستر معینی از تحولات سیاسی، کلامی و فرهنگی قرن چهارم هجری شکل گرفته است؛ بستری که در آن انتخاب، برجسته‌سازی و حتی سکوت نسبت به برخی موضوعات، دارای دلالت معناشناختی است. این زمینه‌ها، در کنار موقعیت اجتماعی و هوش اجتماعی سید رضی، امکان آن را فراهم آورد که برخی مضامین و موضوعات برجسته‌تر شوند و برخی دیگر کم‌رنگ باقی بمانند؛ امری که پژوهش حاضر آن را با عنوان «پیش‌رانی» و «پس‌رانی» تحلیل می‌کند و کلیدی برای فهم الگوی گزینش و تنظیم متن نهج البلاغه محسوب می‌شود.

۲. معیارهای گزینش و برجسته‌سازی متن در نهج البلاغه

پیش از طرح هرگونه تبیین فرهنگی یا تاریخی درباره روش گزینش سخنان حضرت در نهج البلاغه، لازم است این پرسش بررسی شود که آیا انتخاب‌های سید رضی را می‌توان صرفاً بر اساس معیارهای ادبی توضیح داد یا خیر؟

از آنجاکه خود او در مقدمه کتاب بر جنبه بلاغی و فصاحت کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) تأکید می‌کند، این احتمال کاملاً موجه است که انگیزه اصلی او حفظ نمونه‌های برجسته نثر عربی و ارائه متنی معیار در حوزه بلاغت بوده باشد. چرا که در چهارچوب سنت گزیده‌نگاری ادبی، انتخاب سخنان کوتاه، خطبه‌های آهنگین و نامه‌های موجز، با

معیارهای زیبایی‌شناختی قابل تبیین است؛ بنابراین فرضیه گزینش ادبی، نقطه آغاز تحلیل به شمار می‌رود.

باین حال، بررسی پراکندگی موضوعی متون منتخب، فراوانی برخی محورهای خاص و نحوه برجسته‌سازی مضامین تاریخی و اعتقادی نشان می‌دهد که معیارهای ادبی به‌تنهایی برای توضیح تمام الگوهای انتخاب کافی نیستند.

در ادامه تلاش می‌شود ضمن پذیرش نقش بنیادین بلاغت در گزینش، سایر مؤلفه‌های معنایی و زمینه‌ای نیز مورد بررسی قرار گیرد.

از مهم‌ترین ویژگی‌های نهج‌البلاغه، شیوه خاص گزینش و تنظیم سخنان امام علی علیه السلام است؛ شیوه‌ای که آن را از آثار حدیثی متعارف متمایز می‌سازد. سید رضی در تدوین این اثر، نه به گردآوری همه روایات منسوب به امام، بلکه به انتخاب گزیده‌ای از سخنان اهتمام ورزیده که از حیث معنا، بار فکری و بلاغت زبانی، برجستگی ویژه‌ای دارند. سید رضی در مقدمه نهج‌البلاغه چنین نوشته است: «این کتاب متضمن شگفتی‌های بلاغت و نمونه‌های ارزنده فصاحت و جواهر سخنان عرب و نکات درخشان از سخنان دینی و دنیوی خواهد بود که در هیچ کتابی جمع‌آوری نشده و در هیچ نوشته‌ای تمام جوانب آن گردآوری نگردیده؛ چه این که امیرمؤمنان منشأ فصاحت است و منبع بلاغت و پدیدآورنده آن مکنونات بلاغت به‌وسیله او آشکار گردیده و قوانین و اصول آن از او گرفته شده است» (مکارم شیرازی، ترجمه مقدمه نهج‌البلاغه).

این رویکرد نشان می‌دهد که معیار اصلی در گزینش متن، ارزش و کارکرد سخن بوده نه کثرت نقل، شهرت منبع یا اعتبار سلسله راویان.

امیرمؤمنان علی علیه السلام بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تنها مرد وحدت‌آفرین عالم اسلام است. شیعیان با تمام فرقه‌ها حضرت را امام اول خود و تنها جانشین بلافصل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم



دانسته و اهل سنت نیز با تمام فرقه‌ها، حضرت را برترین صحابه و نیز خلیفه چهارم از خلفای راشدین می‌دانند؛ لذا نفس کلام حضرت بدون واسطهٔ راویان، مورد قبول همهٔ امت اسلامی است و نام راوی گاه مانع و حجابی برای نظر به محتوا و کلام حضرت گردیده است.

شاید بتوان عدم نقل سند و نام راوی در نهج البلاغه را با توجه به جایگاه اجتماعی سید رضی این گونه توجیه کرد و آن را امری آگاهانه از سوی مؤلف برشمرد. در این راستا حذف آگاهانهٔ اسناد و راویان در نهج البلاغه از همین منظر، قابل تفسیر است. در واقع این انتخاب نه نشانهٔ بی‌اعتنایی به سنت حدیثی، بلکه کوششی برای برجسته‌سازی خودِ متن و محتوای کلام امام است؛ به گونه‌ای که مخاطب مستقیماً با معنا، حکمت، شیوایی سخن و زیبایی کلام حضرت روبرو می‌شود.

این رویکرد در کاهش حساسیت‌های مذهبی و فرقه‌ای مؤثر بوده و امکان پذیرش گسترده‌تر کلام امام علی (علیه السلام) را در میان طیف‌های مختلف مسلمانان فراهم آورده است. در واقع تحلیل ساختار نهج البلاغه نشان می‌دهد که گزینش و تنظیم سخنان امام علی (علیه السلام) توسط سید رضی، تابع صرفِ ذوق ادبی یا گردآوری تصادفی نیست، بلکه بر اساس الگوهای معنادارِ برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی متن صورت گرفته است.

در چهارچوب نقد متن، این الگوها را می‌توان ذیل مفاهیمی چون پیش‌رانی، پس‌رانی و متضمن‌بودگی، معنا و تحلیل کرد. مفاهیمی که امکان فهم لایه‌های غیرصریح و ضمنی متن را فراهم می‌سازند.

در فرایند پیش‌رانی نیز برخی مضامین از طریق تکرار، گسترهٔ کمی یا جایگاه برجسته در ساختار کتاب، در کانون توجه قرار می‌گیرند.

در نهج البلاغه مضامینی چون توحید و باورهای اعتقادی، عدالت، نقد جریان‌های انحرافی قدرت، قتل عثمان و الگوی حکومت علوی از موضوعاتی هستند که به‌وضوح برجسته شده‌اند. این برجسته‌سازی نه تنها الگوی حکومت اسلامی مبتنی بر عدل الهی را نمایان می‌کند، بلکه پاسخ غیرمستقیم به نقدهای سیاسی و کلامی زمان خود، مانند انتقاد از حکومت بنی‌امیه را فراهم می‌آورد. نمونه‌های بارز پیش‌رانی را می‌توان در خطبه‌ها و نامه‌های مرتبط با حکومت‌داری و عدالت علوی مشاهده کرد. به نظر می‌رسد این شیوه برجسته‌سازی، پاسخی غیرمستقیم به منازعات سیاسی و کلامی قرن چهارم هجری باشد که هم‌زمان، تصویری منسجم از اندیشه علوی ارائه می‌دهد.

در ادامه به سه رکن اصلی از موارد پیش‌رانی در نهج البلاغه اشاره شده است:

۲. ۱. نهج البلاغه و مسئله قتل عثمان

یکی از مهم‌ترین موضوعات در فضای منازعات کلامی و تاریخی قرن سه و چهار هجری، مسئله قتل عثمان و نسبت آن با امام علی (ع) است. کثرت کتاب‌های تألیف شده با عنوان مقتل عثمان، نشان از اهمیت این مسئله نزد اهل سنت داشته است (رمضان جمعه، ۱۴۳۵ ق، ۱۱۵). در منابع اهل سنت، اتهام دست داشتن شیعیان و یاران امام علی (ع) در قتل عثمان یا دست کم حمایت از آن‌ها، بارها تکرار شده است. حضور مؤثر برخی از یاران نزدیک حضرت مانند محمد بن ابی‌بکر، عمار یاسر، مالک اشتر، عمرو بن حمق خزاعی، کمیل بن زیاد و زید بن صوحان در میان مخالفان و قاتلان عثمان و نیز پذیرش دعوت انقلابیون و به‌عهده گرفتن منصب خلافت از سوی امام (ع)، ایشان را درگیر خون عثمان کرد و موجب اتهام دست داشتن حضرت در فتنه قتل عثمان شد.

هم چنین برخی متکلمان اهل سنت، امام را متهم به کوتاهی در تحویل قاتلان خلیفه سوم دانسته اند (ابن قتیبه دینوری، ۱۴۱۰ ق، ۴۹/۱).

این موضوع نه تنها در منازعات سیاسی قرون نخستین اسلام، بلکه در دوران سید رضی نیز یکی از مهم ترین ابزارهای هجمه به شیعه بود؛ چراکه مشروعیت سیاسی حکومت امام علی (ع) را به چالش می کشید.

سید رضی در چنین فضایی به گردآوری نهج البلاغه پرداخت. بررسی آماری و محتوایی این کتاب نشان می دهد که بخش قابل توجهی از خطبه ها و نامه ها به صورت صریح یا کنایی، به بنی امیه، عثمان و حوادث پیرامونی آن اشاره دارد.

برخی محققین با بررسی نهج البلاغه بر این باورند که حدود ۲۸ درصد نهج البلاغه تصریحاً یا تلویحاً به جریان بنی امیه اختصاص یافته است (حیدری، ۱۳۸۸، ۲۲).^۱

این نکته نشان می دهد که یکی از اهداف پنهان سید رضی، پاسخ گویی غیرمستقیم به این اتهام تاریخی و وانمایی سیمای بنی امیه بوده است.

امام علی (ع) در خطب متعدد، به ویژه خطبه شقشقیه و نیز سخنان مرتبط با شورا و خلافت، به روشنی از بی عدالتی های عثمان و سیاست های ناکارآمد او سخن گفته است: «کارش فقط خوردن و سرگین انداختن بود و بنی امیه در زیر حمایت او بیت المال را تاراج کردند تا عثمان به سزایش رسید» (نهج البلاغه، خ ۳).

۱. نگارنده در رساله دکتری خود با عنوان «سیمای بنی امیه در نهج البلاغه و متون کهن اهل سنت با رویکرد پاسخ گویی به شبهات نوپدید سلفیان» (دانشگاه قرآن و حدیث، ۱۴۰۳) با تحقیق و بررسی این مسئله، حدود ۲۳ درصد نهج البلاغه را به جریان بنی امیه مرتبط دانسته است. بر اساس این پژوهش، در ۶۰ خطبه از ۲۴۱ خطبه، ۳۰ نامه از ۷۹ نامه و ۱۰ حکمت از ۴۸۰ حکمت نهج البلاغه، به «جریان بنی امیه» به صورت آشکارا یا کنایی اشاره شده است. لازم به یادآوری است که این آمار بر اساس تعداد دفعات اشاره است، نه حجم صفحات.

آن حضرت بارها تأکید کرده که در ماجرای قتل عثمان، نه فرمان به قتل داده و نه از آن حمایت کرده است؛ چنانکه در کلامی می‌فرماید: «دوست داشتم بنی‌امیه پنجاه سوگند (قسامه) از من می‌پذیرفتند که سوگند یاد کنم به اینکه من فرمان قتل عثمان را ندادم و با قاتلان او همدستی نکردم» (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵ ق، ۴۵۲/۳۹). ایشان از ابتدا کوشیده بودند با نصیحت و مداخله، شورش را مهار کنند.^۱

در خطبه ۲۴۰، امام دربارهٔ حمایت‌های سیاسی خود از عثمان می‌فرماید: «آن اندازه از عثمان حمایت کردم که می‌ترسم در این باره مرتکب گناه شده باشم» (نهج‌البلاغه، خ ۲۴۰).

امام علیه السلام در نامه‌ای به مردم کوفه ماجرای فتنه قتل عثمان را چنین بیان داشته‌اند: «شما را از کار عثمان خبر می‌دهم، به گونه‌ای که شنیدنش چون دیدن باشد؛ مردم بر او خرده گرفتند و من که مردی از مهاجران بودم، همواره خشنودی او را می‌خواستم و کمتر سرزنش می‌کردم. ولی طلحه و زبیر دربارهٔ او شیوه دیگر داشتند و آسان‌ترین کارشان، تاختن بر او بود و نرم‌ترین رفتارشان، رفتاری ناهموار بود. به ناگاه عایشه بی‌تأمل بر او خشم گرفت و مردمی بر او شوریدند و کشتندش» (نهج‌البلاغه، نامه ۱). این گونه خطبه‌ها به روشنی نشان می‌دهد که امام علی علیه السلام در جریان فتنه قتل عثمان، نقش «ناصح» را داشته‌اند نه «مشوق» یا «عامل» در قتل.

نکته مهم دیگر، پیوند دادن این حوادث با عملکرد بنی‌امیه است. امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه، ضمن نگرانی شدید از به حکومت رسیدن تبهکاران و بی‌خردان بنی‌امیه و ظلم و ستم به بندگان خدا و جنگ با شایستگان و به بردگی گرفتن آنان، حکومت

۱. برای مطالعه بیشتر نک: نهج‌البلاغه، خطبه‌های ۳، ۳۰، ۴۳، ۱۳۰، ۱۶۴، ۱۶۸، ۱۷۴، ۲۴۰ و نامه‌های ۱، ۶، ۹، ۱۰، ۲۸، ۳۷، ۴۵، ۵۸، ۶۴.



بنی امیه را بزرگ‌ترین و خوف‌انگیزترین فتنهٔ اسلام دانسته‌اند (نهج البلاغه، نامهٔ ۶۲). فتنه‌ای که مانند دوران جاهلیت ظلمت آن فراگیر بوده، نشانه و فروغی برای هدایت یافت نشده و آثار ظلم و جنایت حاکمان اموی بر هر خانه و آبادی و چادری حتی در بیابان نیز نمایان می‌گردد. حضرت علیه السلام از حکومت بنی امیه به دوران سختی و بلای مؤمنان به‌خاطر پایداری‌شان در دین خدا یاد نموده‌اند (نهج البلاغه، خ ۸۳ و ۱۵۸). امام علی علیه السلام بنی امیه را سرچشمهٔ انحراف در حکومت معرفی کرده و هشدار می‌دهند که آنان اسلام را به ابزاری برای قدرت‌طلبی تبدیل خواهند کرد.

سید رضی با انتخاب این خطبه‌ها، نه تنها به اتهام دخالت امام علیه السلام در قتل عثمان پاسخ داد، بلکه بنی امیه را مسئول اصلی انحرافات معرفی کرده است. بدین ترتیب، نگاه مخاطب از اتهام به امام، به نقد عملکرد امویان منتقل می‌شود.

اهمیت این گزینش از منظر تبلیغی دوچندان است. چرا که سید رضی به‌جای ورود به مناظرات مستقیم یا جدل‌های کلامی، سخنان خود امام را به نمایش گذاشته است. در فضایی که خطابه و بلاغت جایگاهی ممتاز داشت، این انتخاب بهترین شیوهٔ اقناع مخاطب بود. در واقع مخاطبان با مطالعهٔ خطبه‌ها و نامه‌ها درمی‌یافتند که امام علی علیه السلام در برابر شورش مردم در قبال عثمان و قتل وی، موضعی اخلاقی و اصلاح‌گراانه داشته و هرگز به دنبال خشونت یا انتقام نبوده است.

در نهایت چنین به نظر می‌رسد که سید رضی با گزینش و قرار دادن مجموعه‌ای از خطبه‌ها و نامه‌های امام علیه السلام در نهج البلاغه، به گونه‌ای هنرمندانه سه هدف را محقق ساخته است:

۱. تبرئهٔ امام علی علیه السلام از اتهام دست داشتن در قتل عثمان.
۲. معرفی بنی امیه به‌عنوان عامل اصلی بحران‌های سیاسی و انحرافات حکومتی.

۳. تثبیت جایگاه امام علیه السلام به عنوان نماد عدالت، نصیحت‌گری و اصلاح‌طلبی در برابر فساد.

به این ترتیب می‌توان نهج‌البلاغه را در موضوعات مرتبط با عثمان و بنی‌امیه، نه فقط متنی تاریخی، بلکه پاسخی دقیق و درعین‌حال ادیبانه به یکی از اصلی‌ترین شبهات اهل سنت به شمار آورد.

۲.۲. نهج‌البلاغه و مسئله حکومت‌داری امام علی علیه السلام

دومین محور از شبهات اهل سنت نسبت به شیعه در عصر سید رضی، مسئله حکومت‌داری ایشان است. اهل سنت بر اساس مقایسه‌ای تاریخی میان دوران خلفای سه گانه پیشین و دوران خلافت امام علی علیه السلام، چنین ادعا می‌کردند که در زمان امام علیه السلام، اسلام دچار رکود شد و به جای گسترش سرزمین‌ها، تنها جنگ‌های داخلی و فتنه‌های خونین رخ داد. آنان این امر را نشانه‌ای از ناکارآمدی حکومت علوی و شاهی بر ضعف سیاسی شیعه قلمداد می‌کردند.

واقعیت تاریخی آن است که در اواخر دوران خلیفه اول، مسلمانان در آستانه فتح شام بودند (طبری، ۱۳۸۷ ق، ۴۳۴/۳)؛ در دوره خلیفه دوم، قلمرو ایران به تصرف مسلمانان درآمد (طبری، ۱۳۸۷ ق، ۵۶۳/۳) و در زمان خلیفه سوم، سرزمین‌های آفریقا فتح گردید (طبری، ۱۳۸۷ ق، ۲۵۳/۴). در مقابل، دوران حکومت امام علی علیه السلام شاهد سه جنگ داخلی بزرگ – جمل، صفین و نهروان – بود که به ظاهر بیش از صدهزار مسلمان در آن کشته شدند. این رویارویی‌ها با توجه به شالوده فکری و فرهنگی مردم آن دوران و شخصیت‌های بنیان‌گذار این نبردها امری بس دشوار می‌نمود؛ لذا حضرت علیه السلام، خود بارها با اشاره به این مسئله که کسی را جز او یارای نبرد با اهل جمل و نهروان نبود،



فرمودند: «اگر من در میان شما نبودم، اهل جمل و نهروان کشته نمی شدند» (محمدرضا عریضی، ۱۳۸۶ق، ۴/۳۹۴). اما همین امر دستاویزی برای مخالفان شد تا خلافت علوی را فاقد دستاوردهای سیاسی - نظامی بدانند.

در واقع دشواری کار امیرالمؤمنین (علیه السلام) تنها در مقابله با یک شورش نظامی خلاصه نمی شد، بلکه پیچیدگی اصلی در ماهیت جریان‌هایی بود که با عناوین مقدس و پیشینه‌های درخشان شناخته می شدند. بسیاری از چهره‌های حاضر در جبهه مقابل، سابقه همراهی با پیامبر (صلی الله علیه و آله) را داشتند یا با ظاهری زاهدانه و شعاری دینی در جامعه شناخته می شدند. در چنین فضایی، تشخیص مرز میان حق و باطل برای افکار عمومی آسان نبود و اقدام قاطع علیه آنان، جسارتی فراتر از یک فرمانده نظامی می طلبید. لذا امیرالمؤمنین (علیه السلام) ناگزیر بود با جریانی مقابله کند که انحراف آن در لایه‌های فکری و تأویلی پنهان شده بود، نه در انکار آشکار اصول دین.

از همین رو پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) پیش‌تر به این واقعیت اشاره کرده و فرموده بودند: «همان گونه که من ابتدای دعوت به اسلام بر سر «تنزیل» جنگیدم، وصی و جانشین من علی بن ابی طالب (علیه السلام) در آینده بر سر «تأویل» قرآن خواهد جنگید» (مفید، ۱۴۱۳ق، ۱/۱۸۰).

این کلام پیامبر خدا به رویارویی امیرالمؤمنین (علیه السلام) با جریان تحریف معنوی و تفسیر نادرست دینی در آینده اشاره دارد.

سید رضی با آگاهی از این اتهام، بخشی مهم از خطب و نامه‌های امام علی (علیه السلام) را در نهج البلاغه گردآورده که مستقیماً به مسئله حکومت‌داری می پردازد. در این خطبه‌ها و نامه‌ها، امام بارها تصریح می کند که غایت حکومت، کشورگشایی و توسعه مرزها نیست، بلکه تحقق عدالت الهی و احیای ارزش‌های اخلاقی و معنوی در جامعه است.

از دیدگاه علی‌علیه السلام، کار ویژه نظام سیاسی اسلام، برپایی سنت‌های الهی و محو و نابودی بدعت‌های باطل و بی‌اساس در جامعه توسط امامی است که از جانب خدا هدایت شده و مردم را به سوی خداوند هدایت نموده و رهبری مردم را بر عهده دارد. بنابراین دیگر کارکردهای نظام سیاسی را همچون برقراری امنیت (رک. نهج‌البلاغه، نامه‌های ۵۸، ۶۱ و ۶۲)؛ اجرای احکام و برقراری نظام عادلانه، تحقق عدالت اجتماعی در میان مردم، حل منازعات، توسعه و تعالی فرهنگی (نهج‌البلاغه، خ ۱۵ و نامه‌های ۵۹ و ۶۷) باید از اهداف میانی و زیر مجموعه کارویژه اصلی حکومت دانست.

از مصادیق تلاش حضرت برای حل منازعات و اختلاف‌های اجتماعی در جهت ایجاد وحدت در جامعه می‌توان به نامه‌ای ایشان به طلحه و زبیر (نامه ۵۴) و نامه‌نگاری‌هایشان با معاویه (نامه‌های ۴۸، ۴۹، ۵۵، ۶۴ و ۶۵) اشاره نمود.

سید رضی با ذکر خطبه‌ها و نامه‌های حضرت علی‌علیه السلام در نهج‌البلاغه به زیبایی منشور حکومت علوی را ترسیم کرده است. در تمام نامه‌هایی که حضرت علی‌علیه السلام برای فرمانداران و کارگزاران خویش نوشته‌اند، به تبیین هدف اصلی حکومت بر مردم که اجرای احکام الهی و خدمت به مردم است و نیز نگاه دقیق به دنیا و بر حذر داشتن کارگزاران از خدعه‌های دنیا پرداخته است. این مسئله در عهد مالک‌اشتر (نامه ۵۳)، نامه به اسود بن قطیبه (نامه ۵۹)؛ نامه به عثمان بن حنیف انصاری (نامه ۴۵)؛ نامه به مصقله بن هبیره شیبانی (نامه ۴۳)؛ نامه به سلمان فارسی (نامه ۶۸) و نامه به حارث همدانی (نامه ۶۹) آشکار است.

همچنین آموزش‌ها، راهنمایی‌ها و تذکرات مدیریتی حضرت در نامه‌های ۴۵ به عثمان بن حنیف؛ نامه ۴۴ به زیاد بن ابیه؛ نامه ۳۶ به عقیل بن ابی‌طالب؛ نامه ۳۳ به



قثم بن عباس؛ نامه ۶۱ به کمیل بن زیاد؛ نامه ۶۳ به ابوموسی اشعری و نامه ۶۷ به قثم بن عباس به خوبی نمایان است (رشیدی فرد، ۱۴۰۱، ۱۴).

امام علی علیه السلام در نامه به مالک اشتر، اصول حکومت اسلامی را چنین ترسیم می کنند: رعایت حقوق مردم، مهربانی با رعایا، عدالت در قضاوت، مبارزه با تبعیض و فساد و پایبندی به ارزش های الهی.

این نامه را به حق می توان مرام نامه حکومت اسلامی در اندیشه شیعه دانست.

همچنین در نامه به عثمان بن حنیف، امام علیه السلام صراحتاً تأکید می کنند که حاکم اسلامی باید در زندگی شخصی و معیشتی خویش هم سطح با پایین ترین قشر جامعه باشد و از تجمل گرایی و بهره مندی افراطی پرهیز کند (نهج البلاغه، نامه ۴۵).

چنین نگاه اخلاقی به حکومت، فاصله ای آشکار با منطق قدرت طلبانه بنی امیه و خلفای پیشین دارد.

خطبه های سیاسی امام علیه السلام نیز به همین موضوع می پردازد. چنان که در خطبه ای می فرمایند: «به خدا سوگند! دنیای شما نزد من از برگ جویده در دهان ملخ بی ارزش تر است» (نهج البلاغه، خ ۲۲۴).

«عبدالله بن عباس گوید که در «ذی قار» بر امیر المؤمنین علیه السلام درحالی که کفشش را وصله می زد، وارد شدم. حضرت به من اشاره کرد و فرمود: این کفش به چند می ارزد؟ گفتم: هیچ. گفت: به خدا سوگند، که من این کفش را از حکومت بر شما بیشتر دوست دارم، مگر آنکه در این حکومت حقی را بر پای دارم یا باطلی را برافکنم» (نهج البلاغه، خ ۳۳).

این جمله به روشنی نشان می دهد که امام علی علیه السلام حکومت را نه برای سلطه جویی، بلکه برای اقامه حق می خواست.

سید رضی با پیش‌رانی و گزینش این خطبه‌ها و نامه‌ها، تصویری متفاوت از حکومت ارائه می‌دهد. حکومتی که به‌جای توسعهٔ جغرافیایی، در پی تعمیق عدالت اجتماعی و اخلاقی است. این انتخاب، پاسخی غیرمستقیم به شبههٔ ناکارآمدی امام در امر سیاست بود. در واقع، سید رضی با برجسته ساختن بُعد عدالت و معنویت در حکومت علوی، مخاطبان را به این نتیجه می‌رساند که حکومت موفق، الزاماً حکومتی کشورگشا نیست، بلکه حکومتی است که ارزش‌های الهی را پاس می‌دارد.

بدین ترتیب نهج‌البلاغه از سطح یک متن ادبی فراتر رفته و به متنی سیاسی - تمدنی بدل می‌شود که می‌تواند الگوی حکومت اسلامی را معرفی کند. این الگو، برخلاف نگاه مادی‌گرایانه و قدرت‌طلبانهٔ برخی حکومت‌ها، بر کرامت انسانی و عدالت الهی استوار است.

از بررسی‌های صورت گرفته چنین به دست می‌آید که سید رضی در پاسخ به شبههٔ ناکارآمدی حکومت امام علی (علیه السلام)، با بهره‌گیری از بلاغت و سخنان امام، به معرفی الگویی از حکومت‌داری که اساس آن بر عدالت و ارزش‌های الهی استوار است (و نه بر کشورگشایی و توسعه‌طلبی)، پرداخته است. این انتخاب هوشمندانه نشان می‌دهد که یکی از اهداف پنهان گردآوری نهج‌البلاغه، بازسازی مشروعیت سیاسی امام علی (علیه السلام) در برابر هجمه‌های فکری مخالفان بوده است.

۲.۳. نهج‌البلاغه و مسئلهٔ توحید و عقاید شیعه

سومین محور از شبهات اساسی اهل سنت در خصوص شیعه در قرن چهارم هجری و عصر سید رضی، مسئلهٔ توحید و مبانی اعتقادی بود. برخی متکلمان و مورخان اهل سنت، شیعه را به ضعف در توحید متهم می‌کردند و آنان را به دلیل تأکید بر جایگاه

امامان، با عنوان‌های تحقیق‌آمیزی چون «رافضی» مورد خطاب قرار می‌دادند. اختلافات شدید شیعه و اهل سنت و نزاع‌هایی که در این دوره به واسطه ظهور و گسترش برخی افراد و گروه‌های تندرو صورت گرفته، قرینه‌ای از وجود این جریانات در تقابل با شیعه است.

از مهم‌ترین این افراد که بعدها پیروانش شیوه وی را پی گرفتند، **بربهاری** متوفای ۳۲۹ ق است. وی از پیشوایان متعصب حنبلیان بغداد بود که نقش مهمی در تحولات مذهبی این دوره ایفا کرد.^۱ از جمله عقاید **بربهاری**، ایمان به رؤیت خداوند با چشم سر در قیامت است. وی در کتابش در این باره گوید: «اولین کسانی که خداوند را در بهشت با چشم سر می‌بینند، ناینیان، سپس مردان و بعد زنانند. همچنین در روز قیامت برای وزن کردن خیر و شر، ترازویی وجود دارد که همانند ترازوهای دنیا دو کفه و یک‌زبانه دارد» (بربهاری، ۱۴۲۶ ق، ۹۴ و ۱۰۶).

سید رضی در چنین بستری، مجموعه‌ای غنی از خطبه‌های توحیدی امام علی (ع) را در نهج‌البلاغه گرد آورد که در تاریخ اندیشه اسلامی بی‌نظیر است. خطبه‌های توحیدی امام علی (ع) تصویری استوار و عمیق از توحید ارائه می‌دهند که نه تنها با اعتقادات

۱. ابومحمد حسن بن علی بن خلف بربهاری (متوفی ۳۲۹ ق) پیشوای متعصب حنبلیان بغداد در زمان خود و برپاکنده چندین شورش مذهبی در این شهر است. دوران تحصیل را نزد استادانی چون ابوبکر مروزی (۲۷۵ ق)، نزدیک‌ترین شاگرد و مونس احمد بن حنبل و سهل بن عبدالله تستری (۲۸۳ ق)، صوفی بلندآوازه به شاگردی پرداخته است. شهرت وی بیش‌تر به خاطر دفاع سرسختانه از مذهب حنبلی، تأکید بر پشتیبانی از آرای سلف و مخالفت با هرگونه افزایش یا دگرگونی در آن و بر آشفتن از نقد رفتار صحابیان بود. این دیدگاه در قرن چهارم در میان حنبلیان رواج یافته بود. بربهاری در امر به معروف و نهی از منکر بسیار می‌کوشید و در فعالیت‌های خود، پیش از آنکه به تألیف رساله و کتاب پردازد، روش خطابه و برانگیختن مردم را برگزیده بود. به همین سبب چندین حادثه خشونت‌آمیز اجتماعی، سیاسی و فرقه‌ای در سال‌های حضور آشکار و فعال وی در بغداد روی داد که یا مستقیماً آن‌ها را هدایت می‌کرد و یا بازتابی از جلسات وعظ و خطابه‌اش بود (گذشته، ۱۳۹۸).

اهل سنت تعارضی ندارد، بلکه در اوج هماهنگی با آیات قرآن و اصول اسلامی است. در این گزینش و پیش‌رانی خطبه‌های توحیدی، سید رضی به تبیین مفاهیم بنیادین توحید در کلام علوی پرداخته و خداوند را منزّه از جسمانیت، محدودیت، تغییر و شباهت به مخلوقات معرفی می‌کند.^۱

از نظر محتوایی، این خطبه‌ها چند ویژگی مهم دارند:

۱. عمق فلسفی و کلامی: امام علی علیه السلام با زبانی موجز و در عین حال استدلالی، به پرسش‌های بنیادین دربارهٔ ذات و صفات الهی پاسخ داده است. از مهمترین این خطبه‌ها، خطبهٔ اول نهج البلاغه است که در واقع، نخستین صورت‌بندی نظام‌مند مباحث توحیدی در فرهنگ اسلامی به شمار می‌آید.

۲. رد شبهات تشبیه و تجسیم: در برابر جریان‌هایی که خدا را شبیه مخلوقات می‌پنداشتند یا برای او جسم قائل بودند، امام علی علیه السلام با عباراتی روشن، خداوند را فراتر از مکان، زمان و ویژگی‌های مخلوق معرفی می‌کند. از مهمترین خطبه‌های نهج البلاغه پیرامون این موضوع، خطبهٔ ۹۱ معروف به خطبهٔ اشباح است.

۳. انسجام با مبانی اعتقادی شیعه: تأکید بر تنزیه خداوند و برتری مطلق او، همان مبنایی است که در الهیات شیعی پذیرفته شده و پایهٔ بسیاری از آموزه‌های کلامی بعدی است.

۱. از مسائلی است که فراوان در نهج البلاغه یاد شده است، معارف توحیدی کلمات امیرمؤمنان علیه السلام است. به‌عنوان نمونه در خطبه‌های ۱، ۴۹، ۶۵، ۸۵، ۹۰، ۹۱، ۹۴، ۱۰۱، ۱۰۸، ۱۵۲، ۱۵۵، ۱۶۳، ۱۷۹، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۲، ۱۹۵ و ۲۱۳ و حکمت‌های ۲۵۰ و ۴۷۰ به این موضوع اشاره شده است.



سید رضی با انتخاب و چینش این خطبه‌ها، دو هدف مهم را دنبال می‌کرد. نخست؛ تبیین حقیقت توحید از زبان امام الموحیدین، بزرگ‌ترین موحد و آموزگار توحید در تاریخ اسلام؛

دوم؛ اثبات این نکته که شیعه در مسئله توحید نه تنها دچار ضعف و انحراف نیست، بلکه عمیق‌ترین و دقیق‌ترین تبیین را از توحید ارائه کرده است.

از منظر تبلیغی نیز اهمیت این گزینش آشکار است. مخاطب اهل ادب و اندیشه، با مطالعه خطبه‌های توحیدی نهج البلاغه درمی‌یافت که آموزه‌های توحیدی امام علی علیه السلام نه تنها با مبانی قرآنی و سنت نبوی هماهنگ است، بلکه در اوج بلاغت و عمق معرفتی بیان شده است.

به این ترتیب، نهج البلاغه به متنی مرجع در الهیات اسلامی تبدیل شد و جایگاه شیعه را در عرصه اعتقادات تحکیم کرد.

در نهایت می‌توان گفت که سید رضی با گنجاندن خطبه‌های توحیدی در نهج البلاغه، به گونه‌ای هنرمندانه شبهات اهل سنت درباره عقائد شیعه را پاسخ گفت. این خطبه‌ها نشان می‌دهد که شیعه نه تنها به یکتاپرستی پایبند است، بلکه از طریق کلمات امام علی علیه السلام توانسته عمیق‌ترین سطوح توحید را به جهان اسلام عرضه کند. بدین ترتیب، نهج البلاغه در حوزه عقائد، سندی برای اصالت و استواری اندیشه توحیدی شیعه به شمار می‌آید.

۳. پس‌رانی یا حاشیه‌رانی

پس‌رانی به معنای حذف کامل یک معنا نیست، بلکه به معنای کاهش حضور صریح آن در متن است؛ به گونه‌ای که معنا همچنان قابل بازیابی باشد، اما به حاشیه رانده شود (پاکتچی، ۱۳۹۷، ۵۳).

موضوعات حساس و اختلاف‌برانگیز، به‌ویژه درباره تاریخ خلافت و منازعات فرقه‌ای، اغلب در این سطح قرار می‌گیرند. این شیوه سبب می‌شود که متن، در عین وفاداری به محتوای کلام علوی، از ورود مستقیم به جدال‌های تاریخی پرهیز کرده است. در این میان، مفهوم متضمن‌بودگی نقش تکمیلی مهمی ایفا می‌کند. متضمن‌بودگی به وضعیتی اشاره دارد که یک معنا یا موضع یا پیام، نه به‌صورت صریح و مستقل، بلکه در دل بیانی دیگر، اعم از اخلاقی، خطابی یا ادبی جای می‌گیرد (پاکتچی، ۱۳۹۷، ۱۱۳-۱۱۲).

مراد از «بیان خطابی» در اینجا سخنی است که در بستر اقناع، پاسخ‌گویی به مخاطب، مدیریت منازعه یا هدایت دیدگاه و فهم شنونده شکل می‌گیرد؛ بیانی که بیش از آنکه گزارشگر واقعیت باشد، ناظر به جهت‌دهی فکری و تنظیم واکنش مخاطب است. در چنین بیانی، معنا می‌تواند آگاهانه یا ناآگاهانه به حاشیه رانده شود، پوشیده بماند یا در ساختاری غیرمستقیم عرضه گردد. از این‌رو متضمن‌بودگی می‌تواند هم حاصل ملاحظات اجتماعی، سیاسی و مذهبی آگاهانه باشد و هم بازتاب محدودیت‌های گفتمانی و حساسیت‌های زمانه، بدون آنکه لزوماً به‌تصریح و اظهارنظر مستقیم منتهی شود.

در نهج‌البلاغه، برخی مضامین تاریخی و اعتقادی، از این طریق در لایه‌های درونی متن حضور یافته‌اند، بی‌آنکه به‌صورت گزارش محور یا جدلی عرضه شوند. از مهم‌ترین این مسائل اختلافی مسئله فدک، شهادت فاطمه زهرا^{علیها السلام} و حق بلافضل حضرت در



جریان خلافت است که در ضمن بیاناتی کنایی در قالبی بسیار بلیغ از زبان حضرت نقل شده و برخی مضامین صریح کلام حضرت که در سایر منابع روایی نقل شده به خاطر این محظورات حذف گردیده است.

از مهم ترین این مسائل اختلافی مسئله فدک است. حضرت در نامه ۴۵ خطاب به عثمان بن حنیف در این باره می فرماید: «آری از آنچه آسمان بر آن سایه افکنده فدک در دست ما بود. مردمی بر آن بخل ورزیدند و مردمی سخاوتمندانه از آن دیده پوشیدند و بهترین داور پروردگار است»^۱.

از دیگر مصادیق متضمن بودگی در نهج البلاغه، اشاره کنایی به ماجرای شهادت غریبانه فاطمه زهرا علیها السلام است که در قالب ناله های حضرت، بر سر مزار همسر گرانقدرشان دخت رسول خدا صلی الله علیه و آله بیان شده است.^۲

از دیگر مسائل اختلافی، غصب حق بلافضل حضرت در جریان خلافت است که در ضمن بیاناتی کنایی در قالبی بسیار بلیغ در خطبه ششقیه نقل شده و برخی مضامین

۱. «بَلَى! كَانَتْ فِي أَيْدِينَا فَدَكٌ مِنْ كُلِّ مَا أَظْلَمَتْهُ السَّمَاءُ فَشَحَّتْ عَلَيْهَا نَفُوسٌ قَوْمٍ وَ سَخَتْ عَنْهَا نَفُوسٌ قَوْمٍ آخَرِينَ وَ نِعَمَ الْحَكَمِ اللَّهُ وَ مَا أَصْنَعُ بِفَدَكٍ وَ غَيْرِ فَدَكٍ وَ النَّفْسُ مَطَانِنُهَا فِي غَدٍ جَدَتْ تَنْقَطِعُ فِي ظُلْمَتِهِ آثَارُهَا وَ تَغِيبُ أَخْبَارُهَا» (نهج البلاغه، نامه ۴۵).

۲. «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِّي، وَ عَنِ ابْنَتِكَ النَّازِلَةِ فِي جَوَارِكِ، وَ السَّرِيعَةِ اللَّحَاقِ بِكَ، قُلِّ، يَا رَسُولَ اللَّهِ، عَنْ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي، وَ زَقَّ عَنْهَا تَجَلْدِي، إِلَّا أَنَّ فِي النَّاسِ لِي بِعَظِيمِ فُرْقَتِكَ، وَ فَادِحِ مُصِيبَتِكَ، مُؤْصِعَ نَعْرٍ، فَلَقَدْ وَ سَدْتُكَ فِي مَلْحُودَةِ قَبْرِكَ، وَ فَاصَّتْ بَيْنَ نَحْرِي وَ صَدْرِي نَفْسُكَ، فَ (إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ!) فَلَقَدْ اشْتَرَجَعَتِ الْوُدِيعَةُ، وَ أَخَذَتِ الرَّهْيَنَةُ! أَمَا خَرْنِي فَسَرْمَدٌ، وَ أَمَا لَيْلِي فَمُسَهَّدٌ، إِلَى أَنْ يَخْتَارَ اللَّهُ لِي ذَاكَ الَّتِي أَنْتَ بِهَا مُقِيمٌ. وَ سُبُّنُكَ ابْنُكَ بِصَافِرٍ أُمِّكَ عَلَى هَضْمِهَا، فَأَخْفِهَا السُّؤَالَ، وَ اسْتَخْرِهَا الْحَالَ؛ هَذَا وَ لَمْ يَطْلِ الْعَهْدُ، وَ لَمْ يَحُلْ مِنْكَ الذِّكْرُ» (نهج البلاغه، خ ۲۰۲).

صریح کلام حضرت ﷺ که در سایر منابع روایی نقل شده به خاطر این محظورات حذف گردیده است.^۱

از دیگر سازوکارهای تحقق این گزینش هدفمند، تکرار نقش مایه‌های خاص در ساختار نهج البلاغه است. نقش مایه‌ها بر خلاف مفاهیم، به صورت بازتولید عینی یک الگوی معنایی در قالب‌های بلاغی متنوعی ظاهر می‌شوند.^۲

بررسی نهج البلاغه نشان می‌دهد که برخی الگوهای روایی و تصویری مانند تصویر امام ﷺ در مقام ناصح (در جریان قتل عثمان) یا قدرت سیاسی به مثابه فتنه در خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار با صورت‌هایی متفاوت اما مایه‌ای واحد تکرار شده است. تکرار این نقش مایه‌ها، از یک سو به پیش‌رانی معنا و از سوی دیگر به پنهان‌سازی جدل‌های صریح تاریخی کمک کرده است.

براین اساس، این گونه به نظر می‌رسد که روش سید رضی در تدوین نهج البلاغه، بر تنظیم هوشمندانه سطح ظهور معنا استوار است؛ به گونه‌ای که متن، هم حامل مواضع

۱. «أَمَّا وَاللَّهِ لَقَدْ تَقَمَّصَهَا فَلَانٍ [ابْنُ أَبِي قُحَافَةَ] وَإِنَّهُ لَيَعْلَمُ أَنَّ مَحَلِّي مِنْهَا مَحَلُّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَى يَنْحَدِرُ عَنِّي السَّيْلُ وَلَا يَرَقَى إِلَيَّ الطَّيْرُ فَسَدَلْتُ دُونَهَا ثَوْبًا وَطَوَيْتُ عَنْهَا كِشْحًا وَطَفَفْتُ أَوْثَقِي بَيْنَ أَنْ أَصُولَ بَيْنَ جَدَاءٍ أَوْ أَصْبِرَ عَلَى طَخِيَةِ عَمَيَاءٍ يَهْرُمُ فِيهَا الْكَبِيرُ وَ يَشِبُّ فِيهَا الصَّغِيرُ وَ يَكْدُخُ فِيهَا مُؤْمِنٌ حَتَّى يَلْقَى رَبَّهُ، فَرَأَيْتُ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى هَاتَا أَخَجَنِي فَصَبْرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَدَى وَ فِي الْحَلْقِ شَجَا أَرَى ثَرَاتِي نَهْبًا. حَتَّى مَضَى الْأَوَّلُ لِسَبِيلِهِ فَأَذَلِّي بِهَا إِلَى فَلَانٍ [ابْنِ الْخَطَّابِ] بَعْدَهُ» (نهج البلاغه، خ ۳).

۲. منظور از نقش مایه این است که عنصری را که ممکن است فرم به خصوصی باشد در یک متن ادبی مورد استفاده قرار دهیم. از ویژگی‌های نقش مایه‌ها این است که تکرار می‌شوند؛ ولی الزاماً تکرار عینی نیست و به صورت بازسازی شده در قالب‌های مختلف است. برخلاف مفاهیم که خود مفهوم تکرار می‌شود در نقش مایه‌ها عینیت را می‌بینیم که تجدید می‌شوند و شکل‌های مختلفی پیدا می‌کنند؛ اما آن مایه نهفته درون نقش، یک چیز است که دارد تکرار می‌شود (پاکتچی، ۱۳۹۷، ۱۸۹).

مشخص اعتقادی و سیاسی باشد و هم قابلیت پذیرش در میان طیف‌های مختلف مخاطبان اسلامی را حفظ کند.

در کنار قرائن درون‌متنی، قرائن برون‌متنی نیز در تبیین روش گزینش سید رضی نقش مهمی ایفا می‌کنند. مقدمه کتاب «خصائص الأئمة» و تصریحات سید رضی در آن، از انگیزه‌های مذهبی و هویتی وی در تألیف آثارش پرده برمی‌دارد و نشان می‌دهد که نگارش و گردآوری متون علوی برای وی صرفاً کاری ادبی نبوده، بلکه واجد رسالت فکری و اعتقادی بوده است. وی در مقدمه کتاب «خصائص الأئمة» ضمن بیان انگیزه خویش از نوشتن کتاب چنین آورده است: «آنچه مرا در میانه سختی‌های روزگار و مخالفت‌های زمانه بر نوشتن این کتاب واداشت و غیرت و انگیزه‌ام را بر تألیف آن مضاعف نمود، اتفاقی بود که در شب عرفة سال ۳۸۳ هجری رخ داد. هنگامی که قصد زیارت مشهد مولایم موسی بن جعفر و محمد بن علی الجواد را داشتم با گروهی از بزرگان قوم روبرو شدم، آنان درباره قصدم از آمدن به این مکان پرسیدند، درحالی که که قصدشان نکوهش من و نقد و تضعیف عقاید و مذهب من بود. وقتی هدفم از آمدن به زیارت را شرح دادم، گفتند: جمهور سادات موسوی قائل به وقف پس از موسی بن جعفر هستند؛ این در حالی بود که آنان به مذهب و اعتقاد من نسبت به امامت آگاه بودند و این کلام را برای طعن و کنایه نسبت به من بر زبان راندند؛ لذا فوراً پاسخ لازم را دادم و منظورشان را از این کنایه گرفتم. بازگشتم و با اراده‌ای قوی برای نوشتن کتاب و آشکار نمودن مذهبم و نمایاندن حقایق پنهان و پاسخ به دشمنانی که در پی تنقیص و سرزنش بودند، با یاری خداوند به نوشتن این کتاب مشغول شدم» (شریف الرضی، ۱۴۰۶ ق، ۱۳).

همچنین فضای فکری قرن چهارم هجری که با گسترش گفتمان حکمت و توجه به معقولات همراه بود، زمینه‌ای فراهم آورد تا متون گزینشی و حکمت‌محور مورد استقبال

قرار گیرند. در همین راستا، هم عصری سید رضی با آثاری چون «الحکمة الخالدة» **ابن مسکویه** که در آن گزیده‌ای از سخنان پندآموز ملل مختلف گردآوری شده بود، می‌تواند به عنوان قرینه‌ای برون‌متنی در فهم الگوی گزینش نهج البلاغه تلقی شود. رواج چنین آثاری در فضای فکری آن عصر، احتمال توجه سید رضی به ضرورت ارائه مجموعه‌ای از حکمت‌های اصیل اسلامی را تقویت می‌کند؛ مجموعه‌ای که ریشه در سنت علوی داشته و از حیث بلاغت و عمق فکری، توان رقابت با آثار حکمی رایج را دارا باشد.

در مجموع، روش گزینش و برجسته‌سازی متن در نهج البلاغه نشان می‌دهد که این اثر حاصل انتخابی آگاهانه و هدفمند است؛ انتخابی که بر پایه ارزش معنایی، بلاغی و کارکرد فکری سخنان امام علی علیه السلام صورت گرفته و از طریق پیش‌رانی و پس‌رانی موضوعات، ساختاری منسجم و معنادار یافته است. این چهارچوب تحلیلی، مبنایی روشنمند برای بررسی بازتاب این گزینش در محورهای محتوایی نهج البلاغه فراهم می‌آورد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بازخوانی انگیزه‌ها و کارکردهای گردآوری نهج البلاغه توسط سید رضی در قرن چهارم هجری، با تکیه بر تحلیل متن و قرائن درون‌متنی و برون‌متنی نشان می‌دهد که تدوین این اثر فراتر از یک تلاش صرفاً ادبی، واجد ابعاد فرهنگی، سیاسی و هویتی عمیقی بوده است. در سطح آشکار، دغدغه سید رضی حفظ و عرضه گوهرهای بلاغت علوی به عنوان اوج فصاحت عربی بود؛ اما در لایه‌های پنهان، گزینش



هوشمندانه متون، برجسته‌سازی مضامین کلیدی و حاشیه‌رانی موضوعات حساس، از نیتی راهبردی در پاسخگویی به چالش‌های فکری و سیاسی عصر او حکایت دارد.

چنین به نظر می‌رسد که سید رضی با به‌کارگیری سازوکارهای «پیش‌رانی» و «پس‌رانی»، سه محور اساسی را در کانون توجه قرار داده است: نخست؛ پاسخ به اتهامات تاریخی پیرامون قتل عثمان و نسبت آن با امام علی (ع) از طریق ارائه تصویری روشن از موضع نصیحت‌گراانه و اصلاحی امام و معرفی بنی‌امیه به‌عنوان کانون انحراف. دوم؛ بازتعریف حکومت مطلوب با تأکید بر عدالت، اخلاق و خدمت‌رسانی به‌جای توسعه‌طلبی جغرافیایی و ارائه الگویی از حکومت دینی که مشروعیت علوی را در برابر شبهات ناکارآمدی سیاسی تحکیم می‌بخشد. سوم؛ تحکیم پایه‌های اعتقادی شیعه با گزینش خطبه‌های ناب توحیدی که همسو با گفتمان عقل‌گرای قرن چهارم، عمیق‌ترین سطح توحید را عرضه و هر گونه شبهه انحراف اعتقادی را رد می‌کند.

در پاسخ به پرسش‌های پژوهش می‌توان گفت: گردآوری نهج البلاغه طرحی فرهنگی - سیاسی با نقشه‌ای روشن بود که در قالب یک اثر ادبی ممتاز تحقق یافت. گزینش‌های سید رضی آینه‌ای از دغدغه‌های عصر او است: تقابل‌های کلامی، نیاز به ارائه الگوی حکومتی عدالت‌محور و ضرورت پاسخ‌گویی به شبهات تاریخی علیه تشیع. نهج البلاغه نیز با برجسته‌سازی این مفاهیم، سهمی تعیین‌کننده در تحکیم هویت شیعی و ارائه الگوی ماندگار حکومت علوی داشته است.

خوانش نوین حاضر، با تکیه بر تحلیل گفتمانی و روش‌شناسی نقد متن، نشان می‌دهد که نهج البلاغه متنی منفعل و گسسته از بستر تاریخی نبوده، بلکه پروژه‌ای فعال و جهت‌دار در عرصه تولید معنا و بازتعریف هویت در جهان اسلام قرن چهارم به شمار می‌رود. این اثر ضمن تعامل خلاق با گفتمان حکمت و عقلانیت رایج در عصر آل

بویه، میراث علوی را به مثابه منبعی زنده و پاسخگو برای نیازهای اعتقادی، اخلاقی و سیاسی احیا کرد.

در پایان، این پژوهش راه را برای مطالعات بعدی می‌گشاید؛ از جمله تحلیل تطبیقی گزینش‌های سید رضی با دیگر آثار وی مانند «خصائص الأئمة»، بررسی سیر تأثیرگذاری نهج البلاغه بر جریان‌های کلامی و ادبی پس از خود و مطالعات آماری عمیق‌تر درباره تناسب موضوعی و بسامد مضامین در این کتاب شریف.

فهم نهج البلاغه به مثابه متن پروژه، نه تنها جایگاه آن را به عنوان یک شاهکار ادبی و حکمی تثبیت می‌کند، بلکه آن را به عنوان سندی زنده از پویایی اندیشه شیعی در تعامل با چالش‌های زمانه نمایان می‌سازد.

منابع

* نهج البلاغه، ترجمه مکارم شیرازی.

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، **الکامل فی التاریخ**، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ ق.
۲. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، **المنتظم فی تاریخ الملوک و الأمم**، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ق.
۳. ابن عساکر، علی بن الحسین، **تاریخ مدینه الدمشق**، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
۴. ابن قتیبه دینوری، ابو محمد عبدالله بن مسلم، **الإمامه و السیاسه**، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۰ ق.
۵. ابن مسکویه، ابوعلی احمد بن محمد، **الحکمة الخالدة** (جاویدان خرد)، تحقیق الدكتور عبدالرحمن بدوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، بی تا.
۶. بریهاری، ابو محمد الحسن بن علی، **شرح السنة**، ریاض، مکتبه دارالمنهاج، ۱۴۲۶ ق.
۷. پاکتچی، احمد، **مجموعه درس گفتارهایی درباره نقد متن**، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، چ سوم، ۱۳۹۷ ش.
۸. حیدری، محسن، **حزب علوی و حزب اموی**، قم، دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۸ ش.
۹. دوانی، علی، **دورنمایی از شخصیت والای نابغه نامی سید رضی**؛ یادنامه علامه شریف رضی - هزاره شریف رضی، به اهتمام سید ابراهیم سید علوی، تهران، ۱۴۰۶ ق.
۱۰. رشیدی فرد، سید حسین، «کارکردهای نظام سیاسی در نهج البلاغه (نامه ۳۲ تا ۷۰)»، **پژوهش‌های مطالعات اسلامی معاصر**، ش ششم، دوره ۱، ۱۴۰۱ ش، ص ۱۸-۱.
۱۱. رشیدی فرد، سید حسین، **سیمای بنی امیه در نهج البلاغه و متون کهن اهل سنت با رویکرد پاسخ‌گویی به شبهات نوپدید سلفیان**، دانشگاه قرآن و حدیث قم، ۱۴۰۳ ش.
۱۲. رمضان جمعه، ابو عبد الرحمن السید الشحات، **شبهات عن بنی امیه**، ریاض، مکتبه الرشد، دوم، ۱۴۳۵ ق.

۱۳. شریف الرضی، محمد بن حسین، **خصائص الأئمة** علیہ السلام، مشهد مقدس، آستانة الرضویة المقدسة (مجمع البحوث الإسلامية)، ۱۴۰۶ ق.
۱۴. طبری، محمد بن جریر، **تاریخ الامم والملوک**، بیروت، دارالتراث، الطبعة الثانية، ۱۳۸۷ ق.
۱۵. فقیهی، علی اصغر، وضع شیعه در عصر سید رضی، **یادنامه علامه شریف رضی**، کنگره هزاره نهج البلاغه، ۱۴۰۶ ق.
۱۶. گذشته، ناصر، **دایره المعارف بزرگ اسلامی**، مدخل بر بهاری، ج ۱۱، مقاله ش ۴۷۰۹، ۱۳۹۸ ش.
۱۷. محمدی ری شهری، محمد، **دانش نامه امیرالمؤمنین** علیہ السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، قم، دارالحديث، ۱۳۸۶ ق.
۱۸. مفید، محمد بن محمد، **الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد**، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.